

سروده ای از دکتر فلور طاهر تهرانی (خاوردخت) در مورد توطئه های سیاسی در جهت تجزیه ایران

## دامی دگر



به دامی دگر باز پرداختند  
به فرهنگ و تاریخ هم برتر است  
تهی از دلیران و شیران شود  
همه گنج آنرا باید بود  
یکی را عرب نام باید نمود  
شود جنگ و شورش در ایران زمین  
ستمکاری از بهر آنان بود  
که افکنده کشور به راه تب  
برایم آن مردمان را به چاه

نشستند و گفتند و برخاستند  
بگفتند ایران زمین پر ز راست  
زمان است ایران که ویران شود  
چنین کشوری پاره باید نمود  
یکی را بنامیم ترک از وجود  
بلوچ است آن دیگر و این چنین  
بگوئیم ده "ملت" ایران بود  
بود "ملت پارس" را این کنه  
چونار است آرد کسان را به راه

سپس پاره کردد چنین کشوری

بر او برتازیم و ویران کنیم

بریم آنچه زردار داین خاک تر

فرستیم لشکر چو داعش بر او

گروهی خیانت مدار کدا

به دور چنین جانان شرور

که تا مزد گیرند از جانان

امان از چنین مردمان دنی

تو هم میهن من دو چشمت گشا

ز اهریمنان نایدت بیج سود

همه با هم و پشت هم ما شویم

مهن کشوری بوده ایران زمین

ناید توانی و نی لشکری

چو سوریه آنرا بیابان کنیم

خرابش نایم از سربه سر

که سوزد همه مردمان راد او

بکشند با این سخن هم صدا

همه کرد کشند نزدیک و دور

فروشد ایران و هم مردمان

نشاید که نامندشان آدمی

که دایست در راه کشور به پا

گذر از خرافات باید نمود

ز هر دام آزاد و برپا شویم

سرافراز بودست این سرزمین

چنین ملک ویران نشاید شود  
چنین کوبه دشمن که ای خیره سر  
بر ایرانیان بر منه دام خود  
ز هم بستگی ما توانگر شویم  
بلوچ و لبر و خوزی و آذری  
ز ایران بود نام و هم فخرشان  
به فردوسی طوس گوشت بدار  
چو ایران نباشد تن ما مباد

به چاه تباهی نباید رود  
تو ای جانی بندهٔ سیم و زر  
نکسیری ازین شیوه با کام خود  
زنو پیش اقسیم و برتر شویم  
همه کرد از هر کجا آوری  
نیایی دگر "کشوری" بهر شان  
سخن بر شو جانی روزگار  
بدین بوم و بر زنده یکتا مباد